

دکتر بهمن نامور و طلق | منیژه کنگرانی

فرهنگ مصور

ایماندہ خانہ



www.ketap.com

سرشناسه: نامور مطلق، بهمن، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ مصور نمادهای ایرانی/
نویسندگان: بهمن نامور مطلق، منیژه کنگرانی،
مشخصات نشر: تهران: سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران،
مؤسسه نشر شهر، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۳۲۶ ص.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۸-۹۰۷-۰
وضعیت فهرست‌گذاری: فبا
موضوع: نشان‌های ملی - ایران -- واژه‌نامه‌ها
موضوع: نشان‌های ملی - ایران
شناسه افزوده: کنگره، منیژه، ۱۳۴۸ -
شناسه افزوده: مؤسسه نشر شهر
رده بندی کنگره: ۲۱۰۲۱ DSR۶۵
رده بندی دیویی: ۲۴۰۹۰۰
شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۸۴۴۷۹

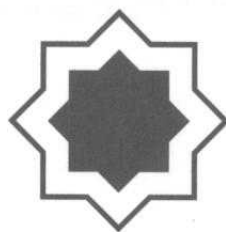
فرهنگ مصور نمادهای ایرانی
مؤلفان: بهمن نامور مطلق، منیژه کنگرانی
ناشر: مؤسسه نشر شهر
نوبت و تاریخ چاپ: اول - ۱۳۹۴
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
آماده‌سازی و چاپ: مؤسسه نشر شهر
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۸-۹۰۷-۰
بها: ۳۰۰,۰۰۰ ریال
آدرس ناشر: تهران، میدان آرژانتین، ابتدای بلوار آفریقا
روبه‌روی پارک سوار بیهقی، پلاک ۶
www.nashreshahr.com
مرکز چاپ: ۸۸۴۲۱۹-۰۶ - ۸۸۴۰۹۱۱۲



نشرنتهر

همه حقوق
محفوظ است.

۶	مقدمه
۳۰	آب
۴۰	آتش
۴۸	اسب
۵۸	افراسیاب
۶۴	اسفندیار
۷۲	اسکندر
۸۰	باد
۸۸	باران
۹۴	بهمن
۱۰۰	بیژن
۱۰۶	جمشید
۱۱۲	خاک
۱۲۲	خروس
۱۳۰	خورشید
۱۳۸	رستم
۱۴۸	زال
۱۵۴	زمین
۱۶۰	سرو
۱۶۶	سفید



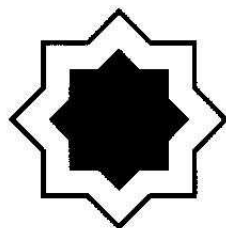
فهرست

۱۷۴	سگ
۱۸۲	سوسن
۱۸۸	سهراب
۱۹۴	سیاوش
۲۰۴	سیمرغ
۲۱۲	شیرین
۲۲۰	ضحاک
۲۲۸	فریدون
۲۳۶	کاووس
۲۴۲	کاوه
۲۴۸	کلاغ
۲۵۸	کیخسرو
۲۶۶	گاو
۲۷۴	گراز
۲۸۰	گیومرث
۲۸۶	لاله
۲۹۲	مانی
۲۹۸	ماه
۳۰۶	ماهی
۳۱۴	منیژه
۳۲۰	نیلوفر

درآمدی بر نمادها و اسطوره‌های ایرانی

نماد و اسطوره از عناصر ویژه‌ی ارتباطات انسانی‌اند؛ بیان زبانی چندلایه که هم تولید و هم دریافت آن‌ها شرایط خاصی را می‌طلبد. این گونه از بیان، ضرورت‌های وجودی مخصوص به خود دارد. خاستگاه اصلی نمادها و اسطوره‌ها، عرصه‌ی ادبیات، هنر و فرهنگ عامه است، ولی حوزه‌های دیگر، مانند حکمت و عرفان، روان‌شناسی، فلسفه و سیاست نیز همواره از آن‌ها بهره برده‌اند. اسطوره و نماد به مثابه‌ی زبان غیرمستقیم و ضمنی، برای توصیف توصیف‌ناپذیرها و بیان بیان‌ناشدنی‌ها ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شوند که بدون آن‌ها بیان انسانی ناقص و آسیب‌هایی جدی بر فرهنگ و ارتباطات انسانی وارد می‌شد، بسیاری از احساسات منتقل نمی‌شدند و حتی بیشتر مفاهیم عمیق و اساسی شکل نمی‌گرفتند.

واژه‌های نماد و اسطوره نیز خود چندمعنایی‌اند و شاید بتوان گفت این دو از چندمعناترین کلمات در فرهنگ‌های گوناگون به حساب می‌آیند. هر دانشی از این مفاهیم، تعریفی خاص و گاهی متضاد نسبت به دیگر دانش‌ها ارائه کرده است. برای مثال نماد نزد روان‌شناسان در نقطه‌ی مقابل معنایی نماد در نزد نشانه‌شناسان قرار می‌گیرد. در این باره باید افزود که نه فقط هر دانشی تعریفی مخصوص از نماد دارد، بلکه در دل هر دانش نیز گاهی چندین تعریف کاملاً متفاوت از نماد ارائه می‌شود. بارزترین نمونه، تعدد تعریف از نماد در روان‌شناسی است؛ چنان‌که میان روان‌شناسی فرویدی و روان‌شناسی یونگی اختلاف بارزی مشاهده می‌شود. علاوه بر بُعد روان‌شناسی و روان‌شناسی، بُعد اجتماعی و فرهنگی نماد و اسطوره نیز از مهم‌ترین ابعاد آن‌هاست. در حقیقت، نمادها و اسطوره‌ها از عناصر مهم و عمیق فرهنگ‌ها هستند. به همین دلیل، شناخت نمادها یا اسطوره‌های هر جامعه، شناخت لایه‌های عمیق و پنهان آن جامعه است. آنها با شناخت نماد اسطوره‌های هر فرهنگ است که می‌توان عمق تجربیات و معرفت آن فرهنگ را شناخت. بی‌دلیل نیست که از دیرباز در بسیاری از جوامع، نوشتن فرهنگ نمادها و اسطوره‌ها مرسوم شده است؛ زیرا برای شناخت بهتر و مؤثرتر ادبیات، هنر، حکمت و حتی علم هر جامعه باید نمادها و اسطوره‌های آن جامعه را شناخت. در مقابل، گاهی شناختن این عناصر در یک جامعه، علاوه بر شناختن عمیق‌ترین و مهم‌ترین عناصر آن فرهنگ، موجب می‌شود با تعمیم‌های ناروا، شناخت نادرستی از یک اثر یا یک جامعه و فرهنگ به دست آید.



مقدمه



فرهنگ نمادها و اسطوره‌ها نه فقط موجب بازشناختِ نمادهای فرهنگ می‌شود، بلکه سبب می‌شود تا نمادها و اسطوره‌ها همواره با نشاط بمانند و شاید همین موضوع موجب بازتولید یا حتی خلق نمادهای نوین شود. بنابراین، اثر حاضر در نگاه نخست فقط برای خوانش آثار ادبی و هنری استفاده می‌شود، ولی در نگرشی عمیق‌تر از این اثر می‌توان برای بهتر خواندن نیز بهره برد.

مسائلی که در این مقدمه‌ی مختصر ارائه می‌شود، بسیار متنوع و گسترده است که جز به‌ناچار نباید در یک مجموعه همنشین شوند، ولی ضرورت معرفی تصویری کلان از نماد و اسطوره موجب شده است تا خطر چنین کاری را بپذیریم. از این رو، تلاش شده است در مقدمه‌ی حاضر بدون هیچ ادعایی برای تعریف کامل نماد و اسطوره، تنها تصویری گذرا و تا حد امکان جامع برای این فرهنگ ارائه شود.

زبان‌های مستقیم کارکرد و زبان‌های غیرمستقیم

پیش‌تر نیز گفته شد که زبان، شیوه‌ی ارتباط میان انسان‌هاست. همچنین زبان وسیله‌ای برای بیان احساسات و تجربیات افراد است. این بیان تجربیات یا احساسات و تفکرات همواره به یک صورت و شکل ارائه نمی‌شود، بلکه در شکل‌های زبانی و بیانی متنوعی استفاده می‌شود. در هر صورت، زبان و بیان را می‌توان به انواع گوناگونی تقسیم کرد، ولی در این جا مناسب است هم‌رأی با بسیاری دیگر از محققان، زبان به دو بخش مستقیم و غیرمستقیم تقسیم شود.

کارکرد زبان‌های مستقیم

زبان صریح و مستقیم از ملزومات رابط میان انسان‌هاست و بدون آن امکان برقراری روابط مشخص و معین ناممکن می‌شود. این زبان می‌تواند تا حد امکان تک‌لایه و صریح باشد؛ چنان‌که مخاطب فقط یک معنا و آن هم معنای مد نظر را برداشت کند. به بیان گسترده‌ای از زبان کاربردی انسان‌ها زبان صریح است؛ از گفت‌وگوهای حقوقی و اقتصادی گرفته تا مباحث علمی و فنی. مگر به طور عمده براساس زبان صریح استوار شده‌اند. در برخی از اوقات استفاده از زبان صریح و مستقیم، یعنی زبانی تک‌معنایک ضرورت است. برای مثال علائم راهنمایی و رانندگی باید صریح باشد، در غیر این صورت می‌تواند موجب بروز مشکلات و حتی آسیب‌های جدی شوند. زبان صریح زبانی است که تفاوت‌ها را نادیده می‌گیرد و می‌کوشد تا آن‌جا که ممکن است، از نظر دلالت‌پردازی، اثباتی و منجمد باشد. با این حال زبان غیرمستقیم و ضمنی نیز به همان اندازه برای انسان‌ها و بیان احساسات آن‌ها ضروری به نظر می‌آید. اگر بیان و زبان صریح بیشتر اوقات برای برطرف کردن نیازهای اولیه و مادی استفاده می‌شود، برعکس زبان ضمنی و غیرمستقیم برای بیان احساسات عمیق و ژرف لازم است؛ احساساتی که نمی‌توان با زبان صریح بیان داد. در واقع، تعادل جامعه بستگی به تعادل میان زبان صریح و زبان ضمنی آن دارد. جامعه‌ای که به یکی از این دو گونه‌ی زبانی بی‌توجهی کند، از تعادل خارج می‌شود. در ضمن، این دو گونه از زبان نتیجه‌ی دو گونه‌ی تولید زبانی‌اند و هر کدام فرایند خاصی را برای تولید طی می‌کنند که با دیگری متفاوت است. همچنین زبان‌های مستقیم و غیرمستقیم، یعنی صریح و ضمنی، هر کدام دریافت مخصوص به خود را دارند. به بیان دیگر، هر کدام فرایند خاص خود را برای دریافت می‌طلبند؛ چنان‌که بی‌توجهی به این تفاوت موجب می‌شود زبان، به‌ویژه زبان ضمنی، در لایه‌های روبنایی و سطحی باقی بماند.

درباره‌ی زبان ضمنی به تفصیل سخن خواهیم گفت، ولی در خصوص زبان صریح باید افزود که این نوع از زبان مرجع مشخص و تا حد امکان واحدی دارد تا نتوان از آن برداشت‌هایی گوناگون و متفاوت کرد. زبان صریح دال‌هایی دارد که مدلول‌های مشخص و معینی را باز می‌تابانند. به عبارت دقیق‌تر، هر



دال یک مدلول واحد را به ذهن مخاطب متبادر می‌کند. این تک‌مدلولی بودن موجب می‌شود از چند تفسیری خارج شده و فقط یک تفسیر از آن استنباط شود. به همین دلیل است که زبان صریح برای برخی از موضوعات مانند مسائل علمی، ضروری است.

در بیشتر اوقات زبان ضمنی که معنای ضمنی را منتقل می‌کند با زبان صریح همراه است؛ چنان‌که معنای ضمنی لایه‌ای عمیق از معنای صریح به شمار می‌رود. زبان ضمنی و معنای ضمنی گاهی عناصر خاص خود، همانند نماد، اسطوره و تمثیل را دارند، ولی گاهی نیز از عناصر زبان صریح استفاده می‌کند و ترکیب این عناصر صریح با یکدیگر می‌تواند موجب معنای ضمنی شود. پیش از به‌پایان بردن این موضوع باید توضیح داد دوگانگی زبان مستقیم و غیرمستقیم، بیشتر نوعی جداسازی انتزاعی است تا واقعی؛ زیرا اگرچه دو نقطه‌ی متقابل بیان صریح و بیان ضمنی انکارناپذیر است این دو، نقاط اتصال بسیاری دارند. به عبارت دیگر، میان دو نقطه‌ی نهایی دو زبان یادشده، نقطه‌ای میانی نیز وجود دارد؛ یعنی جایی که دو زبان با همدیگر پیوند می‌خورند. اسطوره و نماد که موضوع اصلی این نوشتارند، در مرز میان زبان غیرمستقیم جا می‌گیرند. به همین دلیل مناسب است از این پس بر این نوع زبان و ویژگی‌های آن تمرکز کنیم.

کارکرد زبان‌های غیرمستقیم

شاید یکی از پرسش‌های اساسی در خصوص زبان این باشد که چرا انسان از زبان غیرصریحی استفاده می‌کند که برای معنای آن باید ذهن و اندیشه‌ی فراوانی کند و گاهی با وجود بحث‌های بی‌شمار، هیچ‌گاه نتواند به معنای واقعی آن دست یابد؛ چه عامل یا عواملی سبب می‌شود مؤلفان، نوع ارتباط خود را با مخاطب براساس ارتباطی ابهامی و مبهمی و چندپهلویی بنا کنند؟ به طور کلی آیا استفاده از زبان‌های غیرصریح و غیرمستقیم انتخابی اراده‌ی آنان است یا اجباری؟ این‌ها برخی از پرسش‌هایی هستند که به کارگیری زبان غیرمستقیم موجب طرح آن‌ها می‌شود.

این پرسش‌ها موجب طرح مسئله‌ی مشترکی می‌شود که عبارت است از چگونگی کارکرد نمادها و به طور کلی چگونگی و دلایل کارکرد زبان غیرمستقیم. در این‌جا به چند کارکرد مهم و اساسی زبان‌های غیرمستقیم و به‌ویژه دلایل به کارگیری نماد اشاره می‌شود؛ این نمونه‌ها عبارت‌اند از دلایل جامعه‌شناسانه، روان‌شناسانه، زبان‌شناسانه و زیبایی‌شناختی.

❁ دلایل اجتماعی-سیاسی: برخی از دلایل مهم به کارگیری نمادها مسائل اجتماعی-سیاسی

باز می‌گردد. در جامعه‌ای که مسائل اجتماعی و سیاسی امکان بیان صریح را سبب کند، نویسندگان به جست‌وجوی بیان موضوع خود از طریق زبان غیرمستقیم می‌پردازند. در جوامع استبدادی که از ابراز عقاید مخالف جلوگیری می‌شود، مؤلفان در حوزه‌های گوناگون به‌ویژه هنری و ادبی به سوی زبان غیرصریح سوق پیدا می‌کنند. سانسور رسمی و فشارهای اجتماعی-سیاسی و حتی گاهی انتظامی و امنیتی، موجب می‌شود نویسندگان و هنرمندان به خودسانسوری بپردازند و برای انتقال پیام‌های خود از انواع زبان‌های غیرصریح و غیرمستقیم استفاده کنند. از هنر و ادبیات به دلیل قابلیت فراوان ابهام و ابهام و چندپهلویی بودن، در شرایط استبداد اجتماعی بیشتر استقبال می‌شود؛ زیرا معترضان وضعیت اجتماعی می‌توانند با استفاده از قابلیت‌های هنری و ادبی، مخالفت خود را با فشار کمتری ادامه دهند. رشد جریان‌های هنری و ادبی و استقبال از آن‌ها در چنین شرایطی، بی‌دلیل نیست و نمونه‌های آن را می‌توان در جوامع مختلف مشاهده کرد.

اگرچه چگونگی زایش یک نماد نسبت به تمثیل و استعاره متفاوت است، ولی به همان دلایل اجتماعی-سیاسی و حتی فلسفی که از تمثیل و استعاره در جامعه استقبال می‌شود، نماد نیز می‌تواند در میان برخی از افشار رایج شود. همان‌طور که گفته شد، باید با مردم و حاکمان به اندازه‌ی درک‌شان سخن گفت؛ زیرا اگر سخن از حد آن‌ها خارج شود، سخن‌گور را به خروج از باورهای جامعه متهم خواهند کرد. بسیاری از علما و عرفا، مانند سقراط و حلاج سر بر سر این اصل دادند. حافظ که خود استاد نمادپردازی، تشبیه و استعاره است، به‌خوبی بر این موضوع واقف بوده، چنان‌که در خصوص حلاج می‌گوید:

گفت آن یار کزو گشت سرِ دار بلند

جرمش این بود که اسرار هویدا می‌کرد

به همین دلیل است که کتاب‌های پندآمیز سیاسی مانند کلیله و دمنه، از منابع بزرگ الهام در ادبیات جهانی به حساب می‌آیند و همراه آن‌ها بسیاری از آثار ارزشمند جوامع مختلف به صورت تمثیلی تدوین شده‌اند. این گونه از بیان تمثیلی تا به روزگار ما ادامه یافته و تعدادی از بهترین آثار قرن بیستم را به خود اختصاص داده است. در این میان می‌توان به مزرعه‌ی حیوانات از جورج اورول یا کرگدن‌ها نوشته‌ی یونسکو اشاره کرد. البته در تمثیل تنها از حیوانات استفاده نشده، بلکه انسان‌ها نیز می‌توانند شخصیت‌های این داستان‌ها را تشکیل بدهند. آن‌گاه که گویندگان می‌خواهند مقصود خود را از عامه‌ی مردم بی‌پوشانند و فقط برخی را از آن آگاه کنند، در کلام خود رمز به کار می‌برند. بدین‌سان برای کلمه یا حرفی، از نام‌های پرندگان یا یاغی‌ها یا احزاب دیگر استفاده می‌کنند یا حرفی از حروف را رمز قرار می‌دهند و خواننده‌ی مخاطب خود را تشنه‌ی رمزگشایی پس از آن کلام در میان گوینده و خواننده مفهوم و در نظر دیگران مرموز است.

بنابراین استفاده از نمادها از دو خطر اجتماعی و سیاسی جلوگیری می‌کند: از یک‌سورعایت نکردن زبان نمادین موجب گمراهی عده‌ی بسیاری از افراد جامعه می‌شود و از سویی دیگر همین کج‌فهمی موجب به‌خطر انداختن شخصیت و حتی زندگی علما و عرفا می‌شود. استفاده از زبان غیرمستقیم به دلیل شرایط اجتماعی و سیاسی موجب می‌شود تا نمادها به تسلیات نزدیک شوند و بیشتر جنبه‌ی تمثیلی پیدا کنند. به همین دلیل به‌محض اینکه مرحله‌ی فشارها تمام شود، این تمثیل‌ها بیشتر قابل ارجاع به مدلولی خاص خواهند شد. در ادامه درباره‌ی تمایز نماد از تمثیل توضیح داده می‌شود.

❖ دلایل زیبایی‌شناسی: استفاده از نماد همواره به دلیل محدودیت‌های کلامی نیست

و گاهی به دنبال انتخابی زیبایی‌شناختی انجام می‌شود. یکی دیگر از کارکردهای زبان نمادین، دارکرد شاعرانه و زیبایی‌شناسانه آن است. در واقع، با زبان ضمنی استعاره‌ها، مجازها، تلمیحات ضمنی و بسیاری دیگر از صنایع ادبی امکان‌پذیر می‌شوند. اگر این صنایع را از ادبیات و هنر بگیرند، چیزی از آن‌ها باقی نمی‌ماند. استفاده از نمادها موجب زیبایی کلام و زبان می‌شود. در میث زیبایی‌شناختی فرهنگ شرق، به‌ویژه اسلامی، حجاب عمقی چندجانبه و چندلایه دارد. چنان‌که هر کس در حد خود، یعنی ارتباط و درک خود باید بر موضوع زیبا نظر افکند و هر زیباروی باید با توجه به ارتباطی که با ناظر دارد، نقاب از چهره بیفکند. نمادها حجاب‌های بیانی هستند؛ بدان گونه که هم بر زیبایی بیان می‌افزایند و هم معنا را از نظر نامحرمان می‌پوشانند.

بیان غیرصریح و غیرمستقیم مانند تشبیهات، استعارات و تمثیلات عناصر اساسی زیبایی‌شناختی

و خیال‌پردازی ادبی و شاعرانه‌اند. در این میان، نمادها از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند؛ زیرا رابطه‌ی آن‌ها با مرجع‌شان رابطه‌ای عمیق و حتی گاهی وجودی است. زیبایی معنوی باید از دو طریق محتوا و صورت یعنی «موضوع - مضمون» و «زبان - بلاغت» نشان داده شود. محتوایی زیبا بدون صورتی زیبا، آن هم در عرصه‌ی ادب و هنر نمی‌تواند تحقق یابد و انتقال پیدا کند. در اصطلاح زبان‌شناسی باید بین کد پیام، محتوای آن، فرستنده و گیرنده‌ی آن سختیت و هماهنگی وجود داشته باشد.

البته دلیل زیبایی‌شناختی برای به کارگیری نماد نباید دلایل دیگر را کم‌رنگ کند که در غیر این صورت خود، نشان افول نماد می‌شود؛ چنان که برخی معتقدند نمادهای ناموفق نمادهایی‌اند که اساس و بنیاد تجربی خود را از دست می‌دهند و به دلیل سنت (عُرف) یا ارزش زیبایی‌شناختی‌شان به کار می‌روند و رواج دارند. به بیان دیگر، نماد عنصری تزئینی و صرفاً زیبایی‌شناختی نیست، بلکه ضروری و حتمی است.

دلائل روان‌شناسانه و شناخت‌شناسانه: منشأ و دلیل به کارگیری نماد همواره به صورت گاهانه و اجتماعی نیست، بلکه بخشی از نمادها و کاربرد آن‌ها، انگیزه‌ها یا خاستگاه‌های روانی و ناخودآگاهانه دارند. رابطه‌ی میان روان‌شناسی و اسطوره - نمادشناسی، پیچیده و چندجانبه است. سرشت زبان نیز مستقماً با ضمیر ناخودآگاه انسانی ارتباطی تنگاتنگ دارد. حتی می‌توان گفت که طبیعت اعصابی روان‌شناسی بر آن‌ها استوار می‌شود، تخیلی و نمادین یا اسطوره‌ای هستند. برای مثال رویا که یکی از مهم‌ترین موضوعات روان‌شناسی است، سرشتی نمادین دارد و از بیان غیرمستقیم و ضمنی بهره می‌برد. در چنین وضعی روان‌شناس نیز متخصص زبان نمادین می‌شود. او تلاش می‌کند تا رمزگان ضمنی را با دانش خود رمزگشایی کرده و براساس آن وضعیت مخاطب خود را ارزیابی کند. فعالیت‌های روانی، هم در خلوص اسطوره‌ها و نمادها و هم در خوانش و درک آن‌ها نقش مهمی ایفا می‌کنند. ضمیر ناخودآگاه همان‌طور که در شکل‌گیری نمادها تأثیر بسزایی دارد، در خوانش آن‌ها نیز فعال می‌شود. بنابراین مخاطب برای درک رمزگان نمادین بایستی از نظر روانی فعال و پویا شود. شرکت در فرایند رمزگشایی و لذت و تلاش در این جریان خود سبب تأثیر هرچه بیشتر نماد در ضمیر ناخودآگاه فرد می‌شود. این مطلب یکی از دلایل استفاده‌ی سودجویانه‌ی شرکت‌های تبلیغاتی از اسطوره‌هاست که به‌خوبی از سوی رولان بارت در مجموعه‌ی «نظریه‌ی نماد» مورد توجه و بحث قرار گرفته است. نشان داده شده است.

نماد مانند برخی از عناصر بیانی و تصویرپردازی می‌تواند در تعامل روانی مؤثر باشد. گوینده یا نویسنده با نماد، فضای جدیدی را به وجود می‌آورد که در آن فضاهای استفاده از هیجان و احساس بهتر می‌تواند مطالب عمیق و گسترده را به ذهن شنونده یا خواننده انتقال دهد. به همین دلیل است که روان‌شناسان به‌طور گسترده به موضوع نماد توجه کرده‌اند و گرایش‌های گوناگون روان‌شناسی تحقیقات بسیاری در این باره انجام داده‌اند.

همان‌طور که اشاره کردیم یکی از مهم‌ترین خصوصیات زبان نمادین، چندپهلوبودن آن است. این ویژگی به گوینده امکان می‌دهد تا یکی از اصول عرفانی مبتنی بر احادیث را که «با هر کسی به میزان استطاعتش سخن گو»، به بهترین شکل محقق کند؛ زیرا این ویژگی چندپهلویی موجب می‌شود تا هر کس در حد خود و با توجه به تجربیات شخصی آن را درک و تفسیر کند. بنابراین نماد را می‌توان از این جنبه به گستره‌ی اروپایی‌ها یعنی همان جام مقدسی که قهرمانان حماسی - عرفانی در جست‌وجویش هستند یا آب کوثر در فرهنگ اسلامی تشبیه کرد که هر کس به اندازه‌ی قابلیت و استعداد خود می‌تواند از آن بیاشامد و تغذیه کند.